

به مناسبت 8 مارس روز جهانی زن

جمهوری اسلامی، طی 27 سال حاکمیت خود توانسته با اتکا به مناسبات اقتصادی و اجتماعی حاکم و با بکار گرفتن نهاد آموزش و پرورش و مطبوعات وابسته بخود و اجرای قوانین اسلامی، فرودستی زنان و اعمال ستمگری بر آنان را در جامعه نهادینه کند و با ارزش نیمه مرد قائل بودن برای زنان در امر شهادت، وراثت، دیه و حضانت فرزند و اهدای حق چند همسری به مردان، فرهنگ ارتجاعی مردسالارانه را به همه عرصه‌های حیات اجتماعی گسترش دهد و تحقیر زنان را به اوج خود برساند. تحت این شرایط آمار زنانی که روزانه قربانی قوانین و فرهنگ زن ستیز جمهوری اسلامی می‌شوند و دخترانی که از هراس و وحشت ازدواج اجباری به آغوش مخوف مرگ پناه می‌برند هر روز بالا می‌گیرد.

در مقابل این اوضاع دهشتناک جنبش زنان اگرچه پیشروی خود را در سازمان‌دهی و برگزاری مراسم و آکسیون‌های با شکوه 8 مارس، اعتراضات و مبارزات پرشور علیه بیحقوقی‌ها، تلاش‌های گسترده برای برپایی سازمان‌ها و تشکل‌های زنان، در ابراز همبستگی با جنبش کارگری، در فعالیت‌های اجتماعی و هنری پیشرو در انتشار و اداره ده‌ها نشریه و سایت اینترنتی به نمایش گذاشته و به یک واقعیت انکارناپذیر در روند اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران تبدیل شده است، اما علیرغم همه این‌ها این جنبش اساساً بدلیل خفقان سیاسی حاکم و پراکندگی خود نتوانسته است رژیم جمهوری اسلامی را از اعمال سیاست آپارتاید جنسی و تحمیل فرودستی و شرایط حقارت‌بار به زنان باز دارد.

تردیدی نیست که باید جمهوری اسلامی و فرهنگ ارتجاعی مردسالار را از تعرض به حقوق زنان به عقب راند اما تنها یک جنبش نیرومند اجتماعی زنان که چشم‌انداز روشنی از آینده این جنبش و افق‌های زنان داشته‌باشد می‌تواند جمهوری اسلامی را به عقب براند. بدون شرکت دادن وسیع زنان کارگر و زحمتکش که اکثریت زنان جامعه را تشکیل می‌دهند نمی‌توان از جنبش توده‌ای و نیرومند زنان سخن به میان آورد. باید با نابرابری‌های حقوقی علیه زنان در افتاد، اما تا زمانی که مناسبات اقتصادی و اجتماعی سرمایه‌داری حاکم این نابرابری‌ها و بی‌حقوقی‌ها را بازتولید می‌کند برابری حقوقی نمی‌تواند ستمگری جنسی در جامعه را ریشه‌کن کند.

فمینیسم لیبرال، در موقعیت اپوزیسیون، از آن‌جا که تلاش می‌کند واقعیات طبقاتی فوق را پرده پوشی کند، توجه زنان را از درک ریشه‌های طبقاتی ستمکشی زنان به انحراف بکشاند و نظام سرمایه‌داری را زیر ضرب خارج کند قادر نیست توده زنان کارگر و زحمتکش را که شرایط عینی کار و زندگی هر روز بیشتر از روز قبل آن‌ها را به درک ریشه‌های طبقاتی ستمکشی زنان سوق می‌دهد به میدان یک مبارزه جدی بکشاند. این جریان با استراتژی و افقی که دارد نمی‌تواند مناسبات سرمایه‌داری مبتنی بر مالکیت خصوصی را مورد تعرض قرار دهد و در نتیجه حتی از تامین برابری حقوقی برای زنان نیز عاجز است.

بدون تامین بیمه بیکاری و تامین استقلال اقتصادی زنان که تحقق آن در ابعاد توده‌ای بدون تعرض به سرمایه ممکن نیست نمی‌توان حق انحصاری طلاق را از دست مردان بیرون آورد، نمی‌توان حق سرپرستی کودکان را به زنان واگذار کرد. بدون استقلال اقتصادی زنان و دیگر تامین‌های اجتماعی نمی‌توان زنان را از کنج خانه بیرون کشید و شرایط رشد و شکوفایی استعداد آن‌ها را فراهم آورد. اما اگر برابری حقوقی هم به تمامی تامین شود، که این بطور قطع گام مهمی در بهبود موقعیت اجتماعی زنان ایران خواهد بود، اما تازه با دستیابی به برابری کامل در برابر قانون است که مبارزه زنان برای

رهایی واقعی آغاز می‌گردد. بنابراین جنبش زنان برای پیشروی خود و گام نهادن در مسیر رهایی و برابری واقعی راهی جز به مصاف طلبیدن نظام سرمایه‌داری در پیش ندارد.

فعالین سوسیالیست درون جنبش زنان برای به میدان عمل کشاندن زنان و برپایی يك جنبش نیرومند اجتماعی باید زنان کارگر و زحمتکش را موضوع اصلی فعالیت خود قرار دهند. نه تنها زنانی که با جذب شدن به بازار کار و تبدیل شدن به کارگران روزمزد و خاتمه دادن به وابستگی اقتصادی خود به مرد بطور ملموس‌تری ریشه‌های طبقاتی ستمکشی زنان را درک می‌کنند، بلکه زنانی هم که به تولید و کار بیرون از خانه جذب نشده‌اند تجربه خود مبنی بر وابستگی به مرد و وابستگی مرد به قوانین اقتصادی آن‌ها را در موقعیتی قرار داده که تضاد میان خود و جامعه موجود را درک کنند. این توده عظیم زنان آن نیرویی هستند که می‌توانند جمهوری سرمایه اسلامی را از تعرض به حقوق زنان به عقب برانند.

8 مارس روز جهانی زن را با تلاش هر چه گسترده‌تر برای در آمیختن با زنان کارگر و زحمتکش، ایجاد پیوند گسترده‌تر با جنبش کارگری و همبستگی با جنبش جهانی زنان علیه آپارتاید جنسی گرامی بداریم.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

اسفند 1384
مارس 2006